فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و یکم. بهار ۱۳۹۷، صص۱۲۷-۱۰۷ Vol 2. No 21. 2018, p 107-127
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

پایه‌های ضروری تشکیل دهنده نظام دموکراسی و تضمین‌های آن

محمدصالح چیتگران
کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران

چکیده
این مقاله به واکاوی پایه‌های ضروری و اساسی تشکیل دهنده‌ی دموکراسی و اینکه شکل گیری دموکراسی تا چه حد نیازمند این مقولات است تبیین شده و در ادامه مباحثی چون آزادی، برابری، مشارکت همگانی و حکومت اکثریت و احترام به اقلیت بیان شده است؛ همچنین آنچه که حکومت دموکراسی را تضمین می‌کند و آنچه که به عنوان جوهره‌ی دموکراسی است و نحوه‌ی مشارکت مردم، سیستم انتخابات و فرآیند آن، آگاه کردن مردم از فعالیت‌های خود و پاسخگو بودن در مقابل مردم در انجام وظایف قانونی خود و صورت های مختلف پاسخگویی، قائل شدن حقوق مدنی و سیاسی، تفکیک قوا به منظور کنترل قدرت سیاسی و تضمین حقوق مردم و نظریات اندیشمندان در مورد نحوه ی تفکیک قوا و ادواری بودن مشاغل سیاسی به منظور اولویت دادن مردم در تصمیم گیری های سیاسی به صورت تحلیلی – توصیفی توسط نگارنده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: دموکراسی، آزادی، برابری، تفکیک قوا، مشارکت همگانی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

مقدمه:

واژه دموکراسی از لفظ یونانی دموکراتیا ***(Demokratia)*** گرفته شده است. این اصطلاح از دو واژه دموس ***(Demos)*** به معنای مردم و کراتوس ***(Kratein)*** به معنای حکومت کردن، تشکیل شده است. بدین ترتیب دموکراسی از نظر لغت به معنای حکومت به وسیله مردم (حکومت مردم بر مردم) است. البته دموس به معنای اراذل و اوباش، توده عوام، اقشار فرودست و ضعیف، و کلیه شهروندانی که در پالیس یا دولت شهر زندگی می‌کنند، نیز آمده است. کراتوس نیز به معنای قدرت و قانون بکار می‌رود. (آربلاستر، ۱۳۸۶: ۱۲).

«دموس» نزد یونانیان باستان که واضح اصطلاح دموکراسی بوده‌اند، غالباً به معنای «مردم» به کار می‌رفته و به تعبیر دقیق‌تر، به معنای آن دسته از انسان‌ها که «شهروند» محسوب می‌شده‌اند به کار می‌رفته است. برای توضیح بیشتر باید گفت که در «آتن» باستان که اصلی‌ترین دموکراسی یونانی بوده است، بردگان و اشخاص آتنی‌ای که پدر و مادرشان آتنی نبوده‌اند، «شهروند» محسوب نمی‌شدند و از شرکت در امور سیاسی محروم بوده و از این رو به عنوان مصداق «دموس» شناخته نمی‌شدند. البته در طی تاریخ تطور تمدن غرب، دامنه و شاخص‌های مفهومی و مصداقی «دموس» تغییر کرده است. در آتن باستان فقط مردان آزاد بالغی که پدر و مادر آن‌ها نیز آتنی بوده‌اند، به عنوان «شهروند» و یا «دموس» مطرح می‌شدند و تعداد این اشخاص نسبت به کل ساکنان آتن قرون پنجم و چهارم قبل از میلاد در حدود یک دهم بوده است. (یال و دادگری، ۱۳۸۴: ۴۲).

جزء دوم دموکراسی، واژه «کراتوس» است که هم به معنای حکومت کردن و حاکمیت داشتن و هم به معنای قانون و قانونگذاری است. بدین‌ترتیب، دموکراسی در لغت، اجمالاً به معنای حاکمیت و حکومت و قانونگذاری توسط «مردم» (دموس) است. به عبارت دقیق‌تر دموکراسی به معنای اصالت دادن به «مردم» یا «دموس» [با تمام ابهام و نیز تغییراتی که در مفهوم و مصداق این واژه رخ داده است] در امر «حاکمیت» و «قانونگذاری» است و این امر در تضاد ذاتی با اعتقاد دینی به حق حاکمیت بالاصاله و قانونگذاری بالاصاله توسط خداوند قرار دارد.

در این مقاله اصول و پایه های دموکراسی که به عنوان قاعده تغییر ناپذیر برای اعمال حاکمیت مردم محسوب می شود و برای اینکه دموکراسی شکل بگیرد، وجود چه شاخصه هایی لازم و ضروری است مورد بحث قرار می گیرد؛

این مقاله در دو قسمت تنظیم شده است؛ که در قسمت اول اول شامل پایه های ضروری و اساسی تشکیل دهنده دموکراسی و در قسمت دوم شامل تضمین های دموکراسی است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

۱. پایه‌های ضروری و اساسی تشکیل دهنده دموکراسی

این گفتار با عنوان پایه های ضروری و اساسی تشکیل دهنده ی دموکراسی و اینکه شکل گیری دموکراسی تا چه حد نیازمند این مقولات است بیان شده و در ادامه مباحثی چون آزادی، برابری، مشارکت همگانی و حکومت اکثریت و احترام به اقلیت ذکر شده است.

۱-۱. آزادی

در این مبحث آزادی که از والایترین ارزشهای انسانی است مورد بحث قرار می گیرد و میزان دخالت دولت ها در زندگی خصوصی افراد تا چه حد یا آزادی افراد مغایرت دارد؟ آیا نوع حکومت ها تعیین کننده تأمین میزان آزادی افراد می باشد؟

آزادی امری فطری می باشد به طوری که کانت آن را تنها حق طبیعی انسان می داند. اگر بشر هزاران هزار امکانات داشته باشد، ولی برای خود آزادی احساس نکند زندگی برای او مفهومی نخواهد داشت. مثلاً اگر شخصی امکانات یا امنیت نداشته باشد برای او تمتع از آزادی کار، آزادی اجتماعات و سیاسی و. . . نیز امکان پذیر نخواهد بود. در واقع پیش بینی و تضمین این حقوق توسط حکومت ها، مردم را نسبت به حکومت با اعتمادتر می کند و پشتوانه ای برای اعمال حاکمیت خواهد بود. باید خاطر نشان کرد که دولت‌ها به بهانه تأمین امنیت همواره در زندگی خصوصی افراد دخالت می کنند و در واقع آزادی افراد تحت تأثیر تصمیمات دولت ها قرار می گیرد. انسان فطرتاً آزاد آفریده شده ولی به خاطر تأمین امنیت از قسمتی از آزادی خود گذشت و آن را به دولت داد. بنابراین «عده ای دولت را از دشمنان اصلی آزادی انسان ها دانسته اند» (قادری، ۱۳۸۲: ۵۳) «گروهی نیز به همین دلیل گفته اند که اگر انسان می خواهد آزاد باشد باید از حاکمیت صرف نظر کند» (روسو، ۱۳۹۳: ۳۶۳).

البته این نگاه بدبینانه به دولت است. و گرنه دولت برای تسهیل زندگی مردم و حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد جامعه به وجود آمده که مردم خود آن را به وجود آورده اند. بنابراین چون واگذاری بخشی از آزادی های مردم ارادی است پس دولت نمی تواند خصم آزادی مردم باشد؛ هر چند نوع دولت ها در تأمین این نیازها متفاوت است. در دولت های پیشرفته چون مردم به سطح قابل قبولی در تأمین معیشت خود رسیدند مهمترین وظیفه دولت تأمین آزادی است ولی این موضوع در دولت های کمتر توسعه یافته وقف تأمین معیشت مردم می شود. بنابراین آزادی به مجموع آزادی های سنتی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود که از طرف جامعه برای فرد و به منظور اعتلاء مقام و شخصیت او در زمینه های مختلف زندگی اجتماعی شناخته شده جامعه آن را مورد حمایت ویژه قرار می دهد، به عبارت دیگر آزادی های عمومی به آزادی هایی گفته می شود که دولت اجرای آن را طبق قوانین داخلی خود برای اتباع تأمین و تضمین می کند و محتوای آن ممکن است از یک شکور به کشور دیگر متفاوت باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

آزادی دارای مصادیق گوناگون است. که آزادی های سیاسی و مدنی از آن جمله می باشند. لذا در میان آزادی ها، آزادی های سیاسی، ازادی بیان و تشکلات جزء لاینفک دموکراسی به شمار می روند. منظور از آزادی سیاسی مشارکت مردم در امور حکومتی می باشد. در این بین آزادی رأی (مشارکت)، مهم ترین نوع آزادی است ولی فراهم آوردن لوازم مشارکت به تنهایی کافی نیست.

همانطور که کارل کوهن می‌گوید: «این امر که هر شهروندی بتواند به طور آزادانه از این حق (حق مشارکت) استفاده کند به محافظت نیاز دارد. محافظت از این حق مستلزم محافظت دقیق از بسیاری از آزادی های مشخص و واقعی است. شهروند باید مشارکت در معرفی نامزدها برای احراز پست های حکومتی آزاد باشد و باید بتواند آزادانه و بدون ترس از عقاب رأی دهد و روی هم رفته اگر بخواهیم دموکراسی نتیجه بخش باشد برآورده کردن این آزادی ها کاملاً ضروری و مهم است» (کوهن، ۱۳۷۳: ۱۲۴). وجه تمایز دموکراسی با سایر نظام ها در ازادی های سیاسی است. اچ- بی - میو دو عامل را برای انتخابات مؤثر و نه صرفاً تشریفات ضروری می‌داند.

الف. فراهم کردن زمینه انتخابات آزاد به نحوی که هیچ گونه اجبار و ترسی در رأی نباشد.

ب. وجود گزینه کارآمد از سوی رأی دهندگان یعنی انتخاب یا نظارت همگانی زمانی معنی دارد که نامزدها بتوانند برای احراز پست های حکومتی آزادانه با یکدیگر رقابت کنند و نیز خود و طرفدارانشان برای بیان برنامه ها و خواسته هایشان، طرح و پیشنهاد سیاست ها، جایگزین انتقاد از تصمیم گیرندگان در حکومت وقت، و انتقاد از دیگر نامزدها آزاد باشد» (جهانبخش، ۱۳۸۳: ۳۴).

آزادی بیان به قول کارل کوهن به دو گروه تقسیم شده است: آزادی ارائه پشنهاد و آزادی مخالفت. «دموکراسی نه تنها مستلزم آزادی شهروندان در مخالفت با سیاست ها و نامزدهای مطرح شده از سوی جامعه است، بلکه مستلزم آزادی در پیشنهاد شیوه های عمل، جایگزین بین آزادی و مشارکت مؤثر و کارآمد نیز می‌باشد» (کوهن، ۱۳۷۳: ۱۱۳)؛ دموکراسی در واقع تبیین جایگاه مردم برای مشارکت و جلوگیری از حکومت های مستبد دیکتاتوری می باشد. مخالفت با حکومت های مستند در واقع برای به دست آوردن آزادی است». با قبول آنکه آزادی برخاسته از سرشت آدمی است در واقع به کار انداختن آن، ارتقاء و مراتب انسانی و نیل به تمدن را به دنبال خواهد داشت. اجتماعی که افراد آزاد و آزاد اندیشند، ممتنع از پیشرفت های چشمگیر در تمام زمینه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، علمی، صنعت و اقتصادی می باشد. علاوه بر آن در محیط عاری از فشار و جبر فوق العاده پایبندی به فضایل اخلاقی بدون هراس از هر عقوبتی رشد می کند و جزء معتقدات مردم در می‌آید» (هاشمی، ۱۳۹۴: ج۱، ۷۵).

اساساً این همه تعدیل آزادی به عنوان یک تمایل اجتماعی توسط خود مردم باید صورت گیرد. این هدف در نظام دموکراتیک از طریق مجلس نمایندگان منتخب مردم به خوبی قابل تأمین خواهد بود. بنابراین آزادی از پایه های دموکراسی است. تفاوت حکومت های دموکراتیک با سایر حکومت ها در میزان

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

مشارکت مردم و آزادی افراد است. و احترام به حقوق افراد در پی اعمال قدرت سیاسی از طرف مردم است.

شایان ذکر است که آزادی افراد تحت تأثیر نوع حکومت ها قرار می گیرد و میزان رعابت حقوق و آزادی افراد بسته به این نکته است که مردم در چه سطح اقتصادی و فرهنگی قرار دارند یا دولت ها چه نوع حکومتی را برای اعمال حاکمیت خود انتخاب نمودند.

۲-۱. برابری

در این مبحث برابری از نظر لغوی و مفهومی و اینکه رابطه بین برابری و دموکراسی و عدالت چگونه است و آیا قوانین بر عموم مردم با طبقات اجتماعی متفاوت یکسان تلقی می شود؟ انواع برابری های لحاظ شده از قبیل برابری مدنی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی مورد بحث قرار می گیرد.

برابری در لغت به معنی تساوی و همتایی می باشد. بنابراین هیچ فرد یا قدرتی ما فوق افراد جامعه وجود ندارد. برخی برابری را به این معنا می دانند که قدرت به نحو مساوی بین افراد جامعه تقسیم شده و هیچ کس قدرتی بیش از دیگران نداشته باشد. «اصل برابری عبارت از این است که تمام افراد مردم، دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند. زمینه ی اصلی و اساسی حقوق ازادی های فردی را، باید در برابری انسان‌ها یافت. تا وقتی بین افراد مساوات کامل از هر لحاظ برقرار نشود محال است که در جامعه ای عدالت و برابری و آزادی محقق شود. اختلافات اجتماعی به هر شکلی که باشد راه را برای ظلم و تجاوز و بیدادگری هموار می نماید. و کلیه ی اصولی را که زیر پوشش حقوق بشر قرار گرفته را ناممکن می سازد. به همین خاطر است که برای تحقق دموکراسی مساوات را اصل و آزادی ها را فرع می دانند».

برابری از اصول مسلم شناخته شده دموکراسی به شمار می رود و هدف آن برخورد یکسان با مردم است. جرمی بنتام نظریه پرداز حقوقی انگلیسی در یکی از نوشته های خود به این نظریه اعتراف کرده چنین بیان می‌کند: «هریک از افراد جامعه را باید به اندازه ی یک فرد به شمار آورد. و هیچ فرد را نباید بیش از یک فرد انگاشت» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۷۲).

همه‌ی افرادی که در یک جامعه زندگی می کنند به اندازه مساوی از وضع قوانین موجود در جامعه بهره‌مند یا متضرر می‌شوند؛ بنابراین این امر ایجاب می نماید که دارای حقوق یکسان نیز باشند. وجود طبقات اجتماعی در طول تاریخ نمونه‌ای از نابرابری ها بر افراد ستم یده و مظلوم بر تاریکی این قضیه می افزاید. افرادی که به واسطه ثروت و قدرت قهراً به عنوان طبقه‌ی مسلط جامعه بوده و اصل برابری را تضعیف می‌نمایند. برابری در یک جمع بندی کلی به شرح زیر می باشد:

ـــ **برابری مدنی؛** تأمین حقوق همه جانبه ی شهروندی و برخورد یکسان با همه شهروندان در محافظت از جان و مال و ناموس و توسل به دادگاه برای چنین محافظت هایی می باشد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

ـــ **برابری سیاسی؛** یعنی همه شهروندان سهم مساوی و یکسان در اداره ی امور جامعه داشته باشند و همه‌ی افراد در صورت داشتن شرایط خاص به مناصب حکومتی و. . . برسند.

ـــ **برابری اجتماعی؛** یعنی همه ی شهروندان جامعه هیچ امتیاز خاصی قائل نشود که متمایز از سایر افراد باشد.

ـــ **برابری طبیعی؛** شباهت هایی که انسان ها از نظر حواس پنجگانه دارا هستند و رنگ، جنس و نژاد متمایز کننده ی آنها نباشد.

از نظر جیمز رایس این برابری سیاسی است که عامل اولیه در دموکراسی به حساب می آید و آن عبارت است از اینکه تمام شهروندان یا اقلاً تمام مردان بالغ سهم مشابه برای شرکت در اداره ی اجتماع خود داشته و به طور یکسان واجد شرایط لازم مانند سن، تحصیلات، عدم ارتکاب جنایت و. . برای گرفتن مناصب اداری باشند. امروزه وقتی سخن از برابری می شود یکی از سه مفهوم ذیل در نظر گرفته می شود:

۱-۲-۱. برابری ماهوی و ساختاری

«در جامعه به طوری که مواهب و خیرات جامعه یکسان و خالی از هر نوع تحدید و تخصصی برای تمتع شهروندان در دسترس آنان قرار گیرد.

۲-۲-۱. برابری عملی

در این برابری، توانایی شهروندان به برخورداری از فرصت ها و امکانات که برای بهره مندی از برابربی ماهوی ضرورت دارد.

۳-۲-۱. برابری کاربردی

«به معنی بی طرفی مصادر امور و عدم تبعیض و دخالت ندادن دوستی‌ها و دشمنی‌ها از سوی متصدیان مشاغل اجرایی و قضایی است که کلیه‌ی تقسیم و توزیع مواهب و خیرات را بدست آورند» (موحد، ۱۳۸۱: ۲۱۴-۲۱۱).

جیمز رایس غیر از برابری مدنی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی نوع چهارم را به نام برابری اقتصادی می افزاید. مهم تر از همه ی برابری ها، برابری سیاسی است. که عامل اصلی شکل گیری دموکراسی می باشد. برابری سیاسی خمیرمایه‌ی اصلی تمام دموکراسی‌ها چه در یونان و چه در دوره مدرن است. دموکراسی آتنی مستقیم بودن رأی را برای تک تک شهروندان لازمه ی اعمال دموکراسی می‌دانست. در دموکراسی آتنی سخن از شهروند و غیر شهروند بود در حالی که در دموکراسی مدرن این مفهوم جای خود را به حق رأی داد. یکی از آتنی ها در مورد اهمیت نظر و رأی شهروندان چنین می‌گوید: «در نزد ما ثروت باعث قدرت خاصی نمی‌شود. نظر و رأی فقرا نیز همان قدرت را دارد. منتقدان دموکراسی ناآگاهی و کم سوادی مردم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

را در مشارکت و تعیین خط مشی های دولت ایراد می گیرند و پاسخ دموکرات ها نیاز به اطلاعات کافی و نیاز به زمان برای درک مفهوم دموکراسی دارند. ولی آنگاه که ایجاب کند کاملاً قابلیت این را دارند که مسئولان وارد عمل شوند. همان گونه که بزرگسالان مسئولیت اداره ی زندگی شخصی خود را بر عهده می‌گیرند، قابلیت مشارکت در تصمیم گیری‌هایی را که بر حیات جامعه شان تأثیر گذار است را دارند» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۳).

در مردم سالاری مدرن برخلاف دموکراسی باستان در مورد انتخاب شدن و انتخاب کردن، مردم از حق برابر و مساوی برخوردارند. در میدان رقابت تا زمانی که مصالحه و مذاکره مؤثر نیفتد تصمیم گیری براساس رأی اکثریت تمهیدی برای حل مشکلات با حل و فصل اختلافات است. اما چیزی که پیداست عدم توافق کامل همه ی افراد و اقشار جامعه در تصمیم گیری های سیاسی است و گروهی به نام اقلیت که نتوانسته اند اکثریت مردم را همگام سیاست‌های خود کنند سر بر می آورند. بنابراین در این عرصه وظیفه‌ی اکثریت احترام به حقوق اقلیت و پذیرش خواسته‌های آنان و پذیرش انتقادهای سازنده ی آنان برای خیر و سعادت عموم مردم باشد و وظیفه ی متقابل گروه اقلیت پذیرش حکومت و گردن نهادن بر تصمیمات آنان است.

«بی شک گردن نهادن به تصمیم اکثریت، دموکراتیک تر از این است که به اقلیت امکان داده شود که در مورد خواسته های اکثریت حکم کند. یا مانع تحقق آن شود؛ اما حکومت اکثریت از این جهت که باعث ناتوانی اقلیت می‌شود و هیچ حقی برای مشارکت در تصمیم گیری برای آنها قائل نمی گردد باید به عنوان تمهیدی ابتدایی و فوری برای تصمیم گیری قلمداد شود نه حد اعلای آنچه دموکراسی می‌طلبد» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۳۹).

احترام به حقوق اقلیت که از بزرگترین فضیلت های نظام دموکراسی است «همه گروه ها و گرایش ها ار مستمراً امیدوار نگاه می دارد که روزی ممکن است قدرت را به دست گیرند یا در شکل گیری آن شرکت داشته باشند» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

فضیلت دیگری که می توان برای حکومت های دموکراتیک ذکر کرد این است که از رویارویی خشونت بار و مسلحانه گروه ها جلوگیری می‌کند. چرا که به جای برخورد خشن گروه ها به ارائه برنامه های مطلوب تر و مورد قبول تر که دایره ی انتخاب خود را گسترش دهند، روی می آورند. البته این مسئله که روزی اقلیت بر سر کار آید در مورد ترتیب برابری که از پایه های اصلی محسوب می شود توانسته از افراد فارغ از رنگ، قومیت، جنس، ثروت و جایگاه اجتماعی ایشان با دیدی یکسان از آنها حمایت کند.

۳-۱. مشارکت همگانی

دموکراسی اگر یک شاخصه داشته باشد آن هم مشارکت دادن مردم در اداره ی امور کشور است و مشارکت همگانی ایجاب می کند که همه ی افراد و گروه ها در امور کشور دخالت داشته باشند و هیچ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

یک از افراد از روند اداره ی امور عمومی کنار گذارده نشوند. در این بند تحقق مشارکت امکان رقابت سیاسی نهادینه شده و امکان تحرک اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بی شک فراهم کردن زمینه ی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود از مهمترین خدماتی است که دولت‌ها برای مردم فراهم می آورند. تا آنها در تعیین سرنوشت خود مشارکت داشته باشند. در واقع مهمترین ویژگی حکومت دموکراسی حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و ایجاد زمینه‌ی مساعد جهت مشارکت سیاسی اقشار مختلف مردم در صحنه‌های سیاسی و ایجاد زمینه ای مساعد جهت مشارکت سیاسی اقشار مختلف مردم است که در مقابل حکومت دیکتاتوری و استبدادی که برای مردم در امور سیاسی نقشی قائل نبودند. آلن دوینوا می‌گوید: «دموکراسی اصل اساسی نه اکثریت مردم نه آرای مردم و نه انتخابات و نه فرستادن وکیل به مجلس است، بلکه اساس کار اصل مشارکت می‌باشد. دموکراسی چیزی نیست جز یک قالب سیاسی که در آن اکثر مردم می توانند در امور عام شرکت جویند. بنابراین نهادها نیستند که دموکراسی را می سازند بلکه دموکراسی مردم در نهاد است که به دموکراسی قوام می بخشد» (دوینوا، ۱۳۷۳: ۵۸).

مشارکت سیاسی ایجاب می نماید که هیچ فرد، گروه و مقامی از روند انتخابات کنار گذارده نشود. و در چهارچوب قانون با دیگر محدودیت ها مواجه نشود. مشارکت در یک نظام دموکراتیک باید واجد سه مقدمه به شرح ذیل باشد:

الف. تحقق مشارکت[1]

به معنیا جواز دخالت افراد و گروه های اجتماعی در تصمیم گیری های سیاسی و امکان تأثیر گذاری آنها بر نظام سیاسی از طریق انتخاب یا برکناری از قدرت سیاسی است.

ب. وجود رقابت سیاسی نهادینه شده[2]

به معنای فراهم شدن زمینه‌های تعامل و تقابل افکار و اندیشه‌ها و عملکرد افراد به گروه‌ها حتی ایدئولوژی‌های گوناگون برای این منظور و باید ساختار حقوقی نهادینه شده و امکان رقابت سیاسی را فراهم نماید. به طوری که رقابت کنندگان با تکیه بر قواعد رقابت سیاسی و اعتماد به نهادهای حل منازعه، بتواند وارد رقابت سیاسی شوند.

1. PARTICIPATION
2. INTITATIONALIZED

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

پ. امکان تحرک اجتماعی[۳]

تحرک اجتماعی در واقع محصول مشارکت در رقابت نهادینه در جامعه ی توسعه یافته از نظر سیاسی است. تحرک اجتماعی سرانجام باعث ایجاد روند گردش نخبگان می‌شود. اما اساساً به معنی امکان دستیابی افراد متعلق به لایه و اقشار اجتماعی پایین به مراتب بالاتر سیاسی و اجتماعی، براساس شایستگی‌ها و کفات های خود آنان است» (شهبازی، ۱۳۸۰: ۹۲).

«حاکمیت مردم در مشارکت عمومی آنها متجلی می گردد. حداکثر دموکراسی همان حداکثر مشارکت مردم در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و. . است. هر چند یک نظام سیاسی مردمی تر باشد یا حتی ادعای مردمی بودن را داشته با شد تأکید روی این مسئله بیشتر است. اساساً مسئله‌ی مشارکت مردم در نظام سیاسی خود، در زمان ما به صورت یک ارزش سیاسی و اصلی مهم در آمده است. که حتی نظام های غیر مردم سالار نیز ناگزیر باید بدان بپردازند و به نحوی بر مردمی بودن و مشارکت پذیری نظام خود تأکید کنند» (شهبازی، ۱۳۸۰: ۵).

به طور کلی هر چه دامنه ی مشارکت مردم در نظام سیاسی بیشتر باشد قدرت رقابت بر سر تصاحب قدرت سیاسی بین همه ی اقشار توزیع گردد؛ یعنی اگر امکان فعالیت به همه ی اقشار بدهد نظام سیاسی به سوی دموکراسی گام برداشته است. در واقع دوام و قوام دموکراسی به مشارکت مردم وابسته است. هر اندازه نظام سیاسی به مردم اجازه شرکت در انتخابات را بدهد و موانع مشارکت را از سر راه مردم بردارد به همان اندازه در تحقق یک دولت دموکراتیک گام برداشته است. حکومت جمهوری اسلامی ایران در قوانین مختلف خود در اصول (۳، ۶، ۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶ و ۵۶) مشارکت مردم در انتخابات را پذیرفته و آن را تضمین کرده است و اصل نهم قانون اساسی نیز هرگونه محرومیت گروه های سیاسی و افراد و گروه ها را در قانون موجب مسئولیت می‌داند.

در مجموع می توان اینگونه بیان داشت که یکی از اساسی ترین پایه های ثبات و استواری هر نظام سیاسی، مشارکت مردم و حضور آنها در عرصه های مختلف اداره ی جامعه است. بنابراین قوام دموکراسی به اصل مشارکت مردم است و هر جا این اصل نفی شود اصلی‌ترین پایه دموکراسی از میان رفته و دیگر دموکراسی وجود نخواهد داشت.

٤-١. حکومت اکثریت و احترام به اقلیت

چیزی که در دموکراسی پیداست مشارکت عامه ی مردم، عدم توافق کامل همه افراد را به همراه دارد. بنابراین زمینه را برای مشاجره گروه ها فراهم می‌آورد ولی چیزی که از پایه‌های نظام دموکراتیک محسوب می‌شود. حکومت گروه اکثریت و احترام این گروه به حقوق گروه اقلیت می‌باشد. در این بند چارچوب

---

1. SOCIAL MOBILITY

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

حقوقی این موضوع و تمهیداتی که برای حل بحران اندیشیده شده است مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

اقلیت های نژادی، زبانی، مذهبی و قومی صدق نمی کند. برخی از اندیشمندان برای جلوگیری از فرو دست قرار گرفتن همبستگی اقلیت ها تمهیداتی را اندیشیده اند.

ـ «سهیم کردن آنها در مناصب دولتی براساس تناسب و سیستم انتخاباتی تناسبی نمایندگان، براساس تعداد جمعیت انتخاب شده می باشد.

ـ اعطای خود مختاری واقعی برای حل مسائل مربوط به خود آنها» (تقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۷۵).

بنابراین برای جلوگیری از بحران و چالش باید تمهیداتی اندیشید تا از رویارویی گروه ها و افراد در جایی که با گفتگو به نتیجه نمی رسند از طریق رقابت انتخاباتی به هدف نهایی که همانا زیستن سالم در اجتماع است جلوگیری کرد که این امر از طریق حکومت اکثریت حاصل می شود. در ین میان اقلبتی وجود دارد که با حفظ حقوق اولیه و اساسی آنها چون حق آزادی بیان آزادی اجتماعات و. . . می‌توان به وجود یک نظام دموکراتیک امیدوار بود». بنابراین در یک اجتماع اقلیت نباید با بهانه تراشی و عیب جویی به تضعیف اکثریت، و اکثریت نباید با سرکوب مخالفان زمینه ی کشمکش را در جامعه فراهم نمایند. بلکه اقلیت با انتقادهای سازنده و اکثریت نه با موضع گیری منفی، بلکه با پذیرش منطقی انتقادها زمینه دوام حکومت خود را فراهم نمایند. حکومت اکثریت نیز می تواند از انتقادات مخالفان نهایت بهره برداری را نماید و از سخنان سودمند مخالفان سود جوید تا هر چه بیشتر بر عمر حکومت خود بیافزاید»

(قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

حکومت اکثریت می طلبد که گروهی با ارائه برنامه مطلوب مردم را همگام سیاست های خود سازند که در این میان گروهی بنام اقلیت سر می آورند که هدف غایی دموکراسی احترام به این گروه است.

۲. تضمین‌های دموکراسی

در این گفتار آنچه که حکومت دموکراسی را تضمین می کند و آنچه که به عنوان جوهره ی دموکراسی است و نحوه ی مشارکت مردم، سیستم انتخابات و فرآیند آن، آگاه کردن مردم از فعالیت های خود و پاسخگو بودن در مقابل مردم در انجام وظایف قانونی خود و صورت های مختلف پاسخگویی، قائل شدن حقوق مدنی و سیاسی، تفکیک قوا به منظور کنترل قدرت سیاسی و تضمین حقوق مردم و نظریات اندیشمندان در مورد نحوه ی تفکیک قوا و ادواری بودن مشاغل سیاسی به منظور اولویت دادن مردم در تصمیم گیری های سیاسی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

۱-۲. انتخابات آزاد و عادلانه

در بند حاضر نحوه ی مشارکت احزاب و گروه های در روند رقابتی انتخابات و نحوه ی مشارکت دهی مردم از قبیل عدم تبعیضات جنسی، نژادی و شیوه های انتخاباتی و موانع انتخابات آزاد و تناسب آن با دموکراسی و تهدیدهایی که عادلانه بودن انتخابات را تهدید می کند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

جوهره دموکراسی این است که مردم بتوانند فرمانروایان را در یک رقابت آزاد و علنی که در آن همه‌ی احزاب و گروه ها بتوانند شرکت کنند انتخاب نمایند. کشورهایی که خود را دموکراتیک می نامند. در گام اول برای مردم حقوق سیاسی قائل می‌شوند. انتخابات پارلمان و چگونگی برگزاری انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری و چگونگی برگزاری آن بازتاب وسیعی را در محافل بین المللی درخصوص میزان مشارکت، میزان رعایت حقوق مردم، پشتوانه ی مردمی نظام دارد به همین جهت انتخابات آزاد و عادلانه به عنوان شاخصه ی مهم نبود. مشارکت سیاسی و رقابت بشمار می رود. اگر مردم به آن حد از بلوغ سیاسی رسیده باشند. می توانند در مورد اینکه چه کسانی باید بر آنها حکمرانی کنند یا این مسئولیت را به چه کسانی باید واگذار کنند تصمیم گیری نمایند. اگر تناسب در میان سایر عوامل بخصوص نحوه انتخابات (صلاحیت، شیوه تبلیغات، شمارش آرای) به درستی انجام گیرد، می توان گفت که حکومت دموکراتیک از سایر نظام ها که با کودتا بر سر کار می آیند. در تأمین خواسته های مردم گام بر می دارند. پس دموکراسی حکومتی است مبتنی بر انتخابات، بنابراین انتخابات، در این نوع نظام باید دارای ویژپی های خاصی باشد از جمله این که:

ـ «در آن مشارکت وجود داشته باشد.

ـ عادلانه و منصفانه باشد.

ـ رقابت وجود داشته باشد».

از میان شیوه های انتخاباتی و مدل های گوناگون که دانشمندان ارائه داده اند به طور خلاصه می‌توان شیوه‌های ذیل را اشاره کرد.

ـ نظام اکثریت نسبی یا نخست گزینی

ـ نظام رأی جایگزین

ـ نظام رأی انتقال ناپذیر

ـ نمایندگی تناسی فهرست بسته

ـ نظام اعضای افزوده

ـ نظام مختلط.

در هریک از این مدل ها اگر در قانون اساسی افراد حق رأی برابر نداشته باشند یا اگر دارای رأی برابرند جریان انتخابات چه در مرحله ی صلاحیت و چه در مرحله ی تبلیغات و اعلام نتایج به سمتی پیش رود که اصل برابری و اصل انصاف را زیر سوال ببرد و احزاب آزادی فعالیت نیابند در تبلیغ اهداف و مقاصد و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

نیات خود با موانعی مواجه باشند می توان گفت که اصل عادلانه بودن انتخابات رعایت نمی شود. در واقع پیش زمینه و زمینه ی آزاد بودن انتخابات به دو عامل مهم بستگی دارد.

ـ «سیستم انتخاباتی است که منظور از آن مجموعه قوانینی است که معین می کند چه کسی حق شرکت در انتخابات را دارد و کدام مسئول دولتی باید برگزیده شود و تعیین حوزه های انتخاباتی و دسته بندی آرای مردم چگونه باید باشد.

ـ آزاد بودن انتخابات وابسته به چگونگی برگزاری آن است. به این معنی که هر دوره از انتخابات عملاً چگونه برگزار می شود. ار مرحله ی ثبت نام رأی دهندگان و جریان مبارزات انتخاباتی گرفته تا شمارش اوراق رأی و ضمانت بی طرفی و جدیت قانون در عدم ارتکاب تخلفی که درستی نتایج انتخابات را به شبهه افکند» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۷۲).

بنابراین فرایند انتخابات در هر نظامی چه مشارکت مردم، چه رقابت افراد بر سر کسب آراء ابزرای برای میزان رشد دموکراسی است. رعایت این اصول به عنون پشتوانه ی مردمی نظام و گام اساسی در تضمین دموکراسی محسوب می‌شود». در یک جامعه دموکراتیک که برگزاری انتخابات نمود بارز آن می باشد، اصولی چون اصل آزادی سیاسی، اصل برابری سیاسی، اصل عدالت سیاسی، ئاصل عدم تبعیض، اصل حاکمیت قانون، اصل تضمین حقوق مدنی و سیاسی و اصل نظارت همگانی رعایت می‌شود» (جهان بزرگی، ۱۳۸۱: ۵۸).

عادلانه بودن انتخابات با سه تهدید عمده روبرور است:

«تهدید اول، برتری است که حزب یا احزاب حاکم به دلیل قرار داشتن در مسند قدرت از آن برخوردارند». (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۷۷). تهدید دوم که سلامت انتخابات با آن روبروست انواع گوناگون تخلفات است اعمالی نظیر رشوه دهی، تهدید، جعل هویت و رأی دادن دوباره از جمله این تخلفات است». سومین تهدید عمده برای تأمین عدالت در روند انتخابات، امتیازی است که دارا بودن ثروت شخصی یا برخورداری از حامیان ثروتمند به احزاب یا کاندیداهای مستقل می باشد» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۷۷) که البته با طرق‌هایی می‌توان از این تهدیدها جلوگیری کرد. در مورد روش جلوگیری از تهدید اول می توان گفت که با تشکیل یک ستاد انتخاباتی که مورد قبول همه ی احزاب سیاسی باشد بر جریان انتخابات از مرحله ثبت نام تا اعلام آراء نظارت کند. همچنین می توان با پلیس و مأموران کارآمد، سلامت روند انتخابات را تضمینی برای جلوگیری از تهدید دوم به کار برد و با کنترل میزان دخل و خرج کاندیداها، از دخالت ثروتمندان در روند انتخابات جلوگیری بعمل آورد.

۲-۲. دولت شفاف و پاسخگو

هر چقدر عملکرد فرمانروایان در معرض دید فرمانبران قرار گیرد و فرمانروایان در عملکرد خود با فرمانبران همکاری کنند، اعتماد بیشتری بین این دو حاصل می‌شود. بنابراین از شاخصه‌های نظام

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

دموکراتیک می توان به دولت شفاف و پاسخگو اشاره داشت. صورت‌های مختلف پاسخگویی از جمله پاسخگویی حقوقی، سیاسی و مالی در این بند مورد بحق قرار می گیرد.

دولت شفاف یعنی آگاه کردن مردم از فعالیت های دولت در اقتصاد، امور مالی، سیاست و امنیت می باشد. بانک جهانی، شفافیت را به معنی حق دسترسی به اطلاعات را پاسخکویی سیاسی، بانک جهانی، شفافت را به معنی دسترسی به اطلاعات را پاسخگویی سیاسی، پاسخگویی بوروکراتیک، وجود شهروندانی آزاد و دارای قدرت قانونی و همکاری میان دولت و اجتماعی عنوان کرده است. حق در مقابل تکلیف است. یعنی دولت به پاسخگویی سیاسی و قانونمند به افراد جامعه مکلف می باشد». به طور کلی فقدان شفافیت با ایجاد عدم تقارن های اطلاعاتی میان قانونگذاران و تنظیم کنندگان آنهایی که مشمول مقررات قرار می گیرند عرصه را برای فساد گسترش می دهد» (تقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۲۵)؛ بنابراین در صورت عدم امکان دسترسی به اطلاعات و مخفی کاری در ارائه اطلاعات فساد در کلیه حوزه های اداری امور عمومی ظاهر می‌شود.

«اصل شفافیت به آن معناست که اطلاعات به صورتی آزاد و منسجم در دسترس کسانی قرار گیرد که تحت تأثیر چنین تصمیماتی یا اجرای آن ها قرار گرفته اند و اینکه اطلاعات کافی آماده شده و در رسانه ها و در اشکال ساده و قابل فهم ارائه گردد»

دولتی که در تصمیمات و اجرا، مطابق قوانین عمل کند یک دولت پاسخگو است که از لازمه های یک نظام دموکراتیک می باشد که در مقابل نظام دیکتاتوری مسئول و پاسخگوی هیچ یک از اعمال خود نیست. پاسخگویی در حوزه سیاسی و حقوقی به معنای «تعهد یک فرد است برای پاسخگویی نسبت به انجام مسئولیت‌هایی که به او محول شده است می‌باشد» (رشیدپور، ۱۳۸۴: ۲۳)؛ برای سنجش نظام دموکراتیک حق تصمیم گیری در خصوص اداره ی عمومی به عهده مردم است. از این رو نظام پاسخگویی با مردمی بودن حکومت پیوند می خورد. ارتباط پاسخگویی و مردم سالاری در این است که اصل پاسخگویی از طریق تأمین حق مشارکت و دخالت مردم در تصمیم‌ها و برنامه های حکومتی، ارزش‌ها، اصل مردم سالاری را تضمین می نماید. مسئولیت های درونی و بیرونی مدیران دولتی و مقامات سیاسی حافظ فرآیند مردمی حکومت داری است. بنابراین پاسخگویی ابزاری برای پاسخ و توضیح دادن اعمال، تصمیم های یک فرد یا مقام یا نهاد دیگری است که همراه با آثار حقوقی و سیاسی و اداری لازم باشد» (زارعی، ۱۳۸۰: ۱۲۳)؛ پاسخگویی و مسئولیت پذیری دولت با استفاده از مکانیسم‌های سیاسی، قانونی و اجرایی حاصل می‌شود که هدف وضع آنها جلوگیری از فساد است. و تضمین می کند که کارکنان دولت همچنان پاسخگو و در دسترس مردم هستند. چرا که در صورت عدم وجود چنین مکاینسم هایی امکان رشد فساد وجود دارد. بعد از تعریف شفافیت و پاسخگویی و نقش آن در مردم سالاری از موارد حصول به تضمین پاسخگویی می توان به نظام انتخاباتی کشور اشاره داشت.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

«نظام مبارزات و انتخابات که نتیجه‌ی آن تصدی مقام به میل رأی دهندگان است. نخستین وسیله برای تضمین پاسخگویی و مسئولیت پذیری مقام های دولتی است» (دبلیو هیگوک، پوگین، ۱۳۸۳: ۴۲۲) بر این اساس پاسخگویی دولت دارای سه جز اصلی است: پاسخگویی حقوقی، سیاسی، مالی.

ـ **پاسخگویی حقوقی؛** یعنی مسئولیت در مقابل دادگاه ها در صورت تخلف از وظایف قانونی خودشان می باشد و مسئولیت افراد بخصوص در مقابل قانون آنها را از تعدی در حقوق افراد باز می دارد. چرا که در صورت نقض حقوق، افراد باید در مقابل قانون مسئول باشند.

ـ **پاسخگویی سیاسی؛** یعنی مجریان و اداره کنندگان جامعه باید در مقابل حقوق مردم و مجلس که منتخبان مردم هستند مسئول هستند از آنکه قوه مجریه متشکل از رئیس جمهوری و کابینه‌ی وی هست. هیأت وزیران در مقابل رئیس جمهور که منتخب مردم است در مقابل مجلس و مردم مسئول هستند». رئیس دولت و وزرا نیز به نوبه خود هم مستقیماً در جریان انتخابات، در مقابل مردم پاسخگو هستند و هم در مقابل مجلس، که نمایندگان مردم محسوب می شوند. نمایندگان مجلس نیز مسئولیت پاسخگویی در مقابل رأی دهندگان خود را دارند» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۹۱).

ـ در مورد پاسخگویی مالی نیز می‌توان گفت که دولت در مورد درآمد و هزینه های خود مسئول و پاسخگو است. یک بار در جریان تصویب بودحه و بار دیگر در هزینه ی بودجه از طریق دیوان محاسبات و مجلس مسئول و پاسخگوی مردم می باشد و در نهایت بدون وجود شفافیت پاسخگویی ممکن نیست. جنبه‌های مختلف دولت شفاف را می توان در چهار جنبه ذکر کرد:

جنبه اول: ارائه اطلاعات واقعی در مورد سیاست ها از سوی خود دولت.

جنبه دوم: دسترسی افراد و مطبوعات به اسناد دولتی.

جنبه سوم: علنی بودن جلسات مجلس و کمیسیون های مختلف آن، جلسات حکومت محلی و گزارش جلسات مؤسساتی که از بودجه ی دولتی استفاده می کنند.

جنبه چهارم: دولت شفاف عبارت است از مشورت سیستماتیک دولت در مورد تدوین و تنظیم خط مشی های گوناگون و انتشار اطلاعات و توصیه های دریافتی از صاحب نظران» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۸۶). در مجموع در نظام های دموکراتیک چون نظارت مردم از طریق انتخابت بهتر صورت می گیرد دولت ها برای انتخاب مجدد، خود را مسئول پاسخگویی به اعمال خود می دانند. در دولت پاسخگو ویژگی هایی نظیر مدیریت پاسخگو، پاسخ گویی شهروندان وهمراهی مسئولیت با قدرت نیز وجود دارد. طبیعتاً همراه با پاسخگویی مسئولیت نیز باید باشد، هر اندازه در دولتی قدرت بیشتر و پاسخگویی و مسئولیتکمتر باشد، کارایی و اثر بخشی آن کمتر خواهد بود (تقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

آنچه که از تضمین های دموکراسی در باب دولت شفاف و پاسخگو قابل بیان است این است که هر چقدر عملکرد فرمانروایان در معرض دید فرمانبرداران دولت قرار گیرد دولت مردم را از فعالیت های خود آگاه

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

کنند، اعتماد فرمانبران بیشتر و بهتر تأمین می شود. چون دولت ها برای انتخاب مجدد خود را مسئول پاسخگویی به اعمال خود می دانند.

۳-۲. حقوق مدنی و سیاسی

انسان بعد از روی آوردن به اجتماع بخاطر تأمین امنیت از قسمتی از آزادی های خود گذشت، ولی بخاطر کرامت و شرافت انسانی می طلبید که برخی از آزادی های او که نیازمند زندگی او در اجتماع است، تأمین شود و اینکه کدام آزادی ها باید تأمین شود و ارتباط آن با حقوق بشر، در این بند مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

انسان به حکم انسان بودنش با سایرین متفاوت است. چرا که باید حرمت ذاتی و کرامت او صیانت شود و به دنبال پایمال شدن حقوق انسان ها در طول تاریخ و عدالت خواهی انسان ها، در حقوق موضوعه هر کشور قید شده و به عنوان حقوق بنیادین حقوق بشر از آنها حمایت می شود. در حقیقت حقوق بشر، «عبارت از مجموعه ی امتیازات متعلق به افراد یک جامعه و مقرر در قواعد موضوعه است که افراد به اعتبار انسان بودن و در روابط خود با دیگر افراد جامعه و با قید حاکم حمایت های لازم از آن برخوردار می‌باشد» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۲)؛ حقوق بشر قواعد خود را براساس وجدان، فطرت و اخلاقیات و عقل انسان تنظیم می کند. بنابراین تا آنجا که ممکن است قواعد خود را براساس این شاخصه ها تنظیم می کند. لذا می‌توان ادعا نمود که «حقوق بشر مفهومی است عقلی که احترام به آن به عهده ی خود انسان واگذار شده و هرگاه به کمک ترتیبات اخلاقی در قلوب عموم افراد بشر جای گیرد و مورد عمل همگانی واقع شود، و به صورت یک اعتقاد و سنت جهانی در آید محقق می گردد» (لواسانی، ۱۳۸۴: ج۱، ۲۸).

بنابراین برای تعیین مصادیق حقوق مدنی، سیاسی باید به فطرت انسان مراجعه کرد. حق حیات، شهودی ترین نوع این حقوق است. آزادی بیان، آزادی تشکل ها، اجتماعات، احزاب و مطبوعات از دیگر موارد این آزادی محسوب می شود. بنابراین این آزادی ها در راستای آزادی فرد در حقوق اساسی کشورها دیده می شود. «حقوق فردی لزوماً با هدف ها یا تصمیم گیری های جمعی و نظارت مردم بر دولت اصلاً تناقضی ندارد. این حقوق، پایه های اساسی چنین قدرتی را برای جامعه فراهم می‌آورد» (بتیهام و کوبن، ۱۳۸۸: ۵۵).

در حقیقت می توان گفت که دولت ها با دادن این گونه آزادی ها راه را برای ایجاد و تقویت دموکراسی فراهم کردند. امنیت و آزادی انسان در مقابل قدرت عمومی و دیگر افراد استا از جمله ی این حقوق و آزادی می توان به آزادی رفت و آمد، مسکن، برابری و آزادی بیان اشاره کرد. حقوق مدنی و سیاسی، آزادی هایی از جمله آزادی بیان، اجتماعات، مهاجرت و. . . را شامل می شود که شرط اساسی کنش مردم

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

چه به شکل خود سازمانی[۴] در جامعه و چه کسب نفوذ و تأثیر گذاری در سیاست های دولت است (تقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

درست است که این حقوق، به عنوان بخشی از حقوق کلی بشر برای افراد محفوظ است، وی ارزش آنها در کار جمعی آنهاست؛ یعنی پیوستن به دیگران و تلاش برای هدف های مشترک، مبارزه گروهی، تأثیربخشی بر افکار عمومی و. . . سوالات دیوید بتیهام سابقه حقوق بشر و پیوند ناگسستنی آن را با حقوق بشر بیشتر روشن می کند.

ـ قانون به چه وضوحی حقوق و آزادی های مدنی و سیاسی شهروند را تعریف می کند و این حقوق عملاً تا چه حد رعایت می‌شود؟

ـ شهروندان جدا از موقعیت اجتماعی و اقتصادی تا چه اندازه در اعمال حقوق مدنی و سیاسی‌شان برابرند؟

ـ انجمن های داوطلبانه گسترش و نظارت بر حقوق شهروندی تا چه حد توسعه یافته اند و به چه میزان از آزار و اذیت مصون اند؟

ـ رویه های آگاه سازی شهروندان نسبت به حقوقشان و آموزش شهروندان آینده برای اعمال حقوق تا چه حد مؤثر و کارآمد هست؟

ـ معیارهای اعطای اجازه به پناهندگان و مهاجران در کشور تا چه حد از تبعیض های خود سرانه به دور است و کسانی که به این صورت اجازه زندگی در کشور را یافته اند تا چه اندازه می توانند حقوق برابر شهروندی کسب کنند.

٤-۲. تفکیک قوا

از دیرباز اندیشمندان زیادی برای دستیابی به حکومت مطلوب و کنترل قدرت سیاسی با هدف حمایت از حقوق و آزادی های فردی تلاش کرده اند. از ارسطو و افلاطون گرفته تا اندیشمندان جدید برای شکل‌گیری یک حکومت که در آن حقوق مردم تضمین بشود قلم فرسایی‌هایی کرده‌اند. در این بند اهداف تفکیک قوا و چگونگی تقسیم قدرت میان قوا از دیدگاه اندیشمندان و نحوه ی تعامل قوا با هم مورد بحث قرار می گیرد.

«اصل تفکیک قوا در واقع تمهیدی برای محو استبداد، دفاع از آزادی مردم، مقابله با فساد و سوء استفاده از قدرت و متلاشی ساختن اقتدار فشرده کامل است که خود را مافوق همه کس و همه چیز تصور کرده اند» (هاشمی، ۱۳۹۴: ج۱، ۶).

بنا به گفته یکی از نویسندگان اعلامیه حقوق بشر در جامعه‌ای که حقوق افراد تضمین و تفکیک قوا برقرار نشده باشد قانون اساسی وجود ندارد. امروزه ما با سه قسم از وظایف حکومتی روبرو هستیم که هر کدام از وظایف از هم تفکیک شده اند؛ یعنی وظیفه ی قانونگذاری با قضاوت و آن دو هم با اجرای قانون متفاوت

1. Self organization

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

و متمایزند؛ یعنی هر یک از دستگاه ها وظایف خاص خود را انجام می دهند و کمتر در امور هم دخالت می کنند. البته گاهی با اختلاط وظایف روبرو هستیم. ارسطو درباره ی تفکیک قوا بیان می دارد: «هر دولتی بر سه قدرت است و قانونگذار خردمند باید حدود هر یک از آنها را باز شناسد. اگر این سه قدرت به درستی سامان یابد کار حکومت یک رویه است، اختلاف این قدرت هاست که مایه ی اختلاف قوانین اساسی کشورها می شود. نخستین این سه قدرت حق مشروت و تصمیم گیری درباره ی کارهاست، دومین آنها مربوط به جریان قانون و شرایط صلاحیت و روش انتخاب آنان است وسومین قدرت، کارهای داوری را در بر می گیرد» (ارسطو، ۱۳۳۷: ج ۴، ۱۲۶).

ارسطو قوه ی قانونگذاری را فراتر از سه قوه ی دیگر می داند یا وظیفه ی دولت را چیزی بیش از اجرای قانون، یعنی هم در وضع قانون و هم به عنوان نهادی که می تواند جلوی نابکاری را بگیرد، که این امر امروزه به قوه ی قضائیه سپرده شده است. توضیح ارسطو درباره ی قوای سه گانه تقریباً همان نظریه ی تفکیک قوا در قرن هیجدهم است. اما قوای سه گانه ارسطویی با نظریه ی جدید تفاوت عمده ای دارد. طبق نظر او قوه ی مقننه یا مشورتی از اقتدار اجرایی و گاهی قضایی برخوردار است و قوه ی فرمانروایی (مجریه) می تواند قانون وضع کند و نهایتاً بین کارکرد این قوا نوعی تداخل دیده می شود.

از نظر افلاطون برای رسیدن به هدف، وظایف و مسئولیت های قوا باید از یکدیگر تفکیک گردد و هریک متکفل کار متناسب خود باشند و در عین حال با هم همکاری داشته باشند. «افلاطون در باره ی قوای مقننه، مجریه و قضائیه به روشنی امروز تقسیم بندی کرده است. لکن قانونگذاری اجرای داوری را به صورت سه وظیفه، طرح و بررسی نموده و برای هر کدام کارگزاران خاصی را که در هریک شرایط ویژه‌ای جدا از دیگری است با روش خاصی برگزیده می شود مطرح ساخته است» (اسکندری، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

اعتقاد وی بر آن بود که اگر در هر کشوری اصل تفکیک قوا رعایت نشود آزادی کامل تحقق نمی یابد. اگر قوای مقننه و مجریه و قضاییه در هم ادغام شوند و تمام امورات به دست یک شخص یا یک گروه افتد، آزادی و زندگی افراد در معرض نظارت و عملکرد خودسرانه قرار خواهد گرفت. مثلاً اگر قوه قضاییه به قوه مجریه ملحق شود ممکن است قاضی به عنوان مجری حکم شدت عمل نشان دهد.

منتسکیو در خصوص تفکیک قوا که با هدف کنترل قدرت و جلوگیری از فساد آن را پی ریزی کرد، اشاره می کند که برای آنکه نتوان از قدرت سوء استفاده کرد باید دستگاه های حاکم طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند. منتسکیو به دنبال آزادی سیاسی برای شهروندان به نظریه ی تفکیک قوا دست یافته است. «آزادی سیاسی فقط در حکومت های معتدل یافت می شود. به شرط آنکه زمامداران از مقامات و مشاغل سوء استفاده نکنند و این موضوع به تجربه ثابت شده است که هر کسی که زمام امور را در دست دارد متمایل است که از زمامداری به نفع خویش استفاده کند و این رویه وقتی به یک حد معینی رسید که تبدیل به سوء استفاده شد. ملت جلوی آن را گرفته و متوقفش می نماید. آری نه تنها اعمال بد، بلکه اعمال خوب، تقوی و فضیلت هم حدودی لازم دارد» (اسکندری، ۱۳۷۷: ۲۹۲).

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

وی معتقد بود «در هر کشوری که همه ی قوا زیر نظر یک تن باشد آزادی تحقق نمی یابد از این رو بهترین راه، حفظ حکومت و جلوگیری از حاکمیت یک فرد یا یک گروه است. از آن رو است که در نظام سیاسی میان قوای حکومت موازینه برقرار شود تا هر قوه بتواند بر قوای دیگر نظارت کند» (اشرافی، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

منتسکیو همچنین بیان می کند که هرگاه قوه ی قانونگذاری و قوه ی مجریه در دست یک تن یا در اختیار یک دستگاه باشد ممکن است آزادی مضمحل شود، زیرا بیم آن می رود که پادشاه یا دستگاه مزبور، قوانین بی رحمانه تصویب کند. و ستمگران به مورد اجرا گذارند. بعضی معتقدند که تفکی قوا فقط از ایجاد فساد در یک نهاد یا شخص و گروه جلوگیری می کند در حالی که فساد در سه قوه منتشر شده است و خود منتسکیو بلافاصله تصریح می کند که «برای تأمین آزادی تفکیک قوا کافی نبوده، بلکه بین قوای سه گانه باید یک نوع تعادل و توازن برقرار گردد تا یکی از قوای مزبور نتواند نسبت به دو قوه دیگر اولویت و برتری پیدا کند» (قاسم زاده و گرجی، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

بنژامن کنستان برای جلوگیری از مشکل تفکیک قوا که عدم هماهنگی و عدم ارتباط بین قوا، که در بسیاری مواقع منافع و مصالح کشور را به مخاطره خواهد انداخت به وجود قوه ی تعدیل کننده اعتقاد داشت، «بنا به تعبیر کنستان قوای سه گانه بیاد در برابر هم آرایش یابند و از زیادت خواهی و برتری جویی یکدیگر جلوگیری کنند. اگر میان پارلمان وهیئت دولت اختلافی بروز کند قوه ی تعدیل کننده می تواند دخالت کند و در حدود اختیاراتی که قانون اساسی به آن بخشیده است کشور را از بحران و رژیم را از خطر سقوط و جامعه را از هرج و مرج نجات بخشد» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

بنابراین برای پرهیز از استبداد، قدرت حکومت می باید از راه چند قوه یا دستگاه به دست نهادی جدا از هم بکار برده شود. تفکیک سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه اساس همه ی دموکراسی های قانونی است. باید برای جلوگیری از زیادت خواهی قوا یک نوع تعادل و توازن بین قوا ایجاد گردد.

۵-۲. محدودیت مدت تصدی و ادواری بودن مشاغل سیاسی

آنچه که در این جا مورد بحث قرار می گیرد مدت تصدی مشاغل سیاسی توسط حاکمان مردم و سازگاری آن با طبعیت دموکراسی و تبعات ناشی از مدت دار بودن مناصب حکومتی در دست حاکمان است.

از معنی و مفهوم دموکراسی چنین بر می آید که دموکراسی به معنی حکومت مردم است. بنابراین حاکم واقعی در این نوع از حکومت، مردم می‌باشد و تصمیم گیرندگان اصلی حاکمیت متعلق به همه ی شهروندان جامعه است، چون در حکومت های مردم، حاکمیت اصالتاً متعلق به جماعت است و بروز این حاکمیت به واسطه‌ی آراء اکثریت تحقق می یابد. بنابراین نمی توان اساساً مشاغل سیاسی را در دست صاحبان آن دایمی کرد» (قاسم زاده و گرجی، ۱۳۹۵: ۱۲۳). اعمال این شیوه همیشه ابزار مؤثری در دست

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

مردم است که با کسانی که توجه به نیازها و خواست های آنان ندارند در دوره بعد با عدم انتخاب توجه آنان را به سوی تمایلات مردم جلب کنند و هم چنین اعمال این شیوه همیشه گروه های مغلوب در انتخابات را، امیدوار نگه می دارد تا روزی بتواند با کسب اکثریت آراء، سکان دار کشتی جامعه و پیشبرد جامعه به سوی اهداف و آرمان های خود باشند. «بر این اساس اصل محدودت دوره های زمانی تصدی مشاغل سیاسی با طبیعت دموکراسی سازگارتر است و تجدید انتخابان و شکل گیری دوره های جدیدتر، بهتر می توانند آرمان های مقطعی اکثریت را نمودار کنند» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

بنا به گفته ی پروفسور موریس دو ورژه: صاحبان مشاغل سیاسی به اجاره نشینانی می مانند که در سر رسید اتمام دوره ی اجاره، باید ملک را خالی کنند و به دیگران بسپارند. بر همین اساس است که در قوانین اساسی کشورها دوره های مناصب انتخابی محدود است با صاحبان برخی مناصب در طول دوره های متمادی نمی توانند صاحب کرسی باشند؛ چرا که توالی منصب در یک شخص موجبات دیکتاوری و خودکامگی و بی قانونی را فراهم می آورد. در این گونه رژیم ها مانند پادشاهی های مطلق یا دیکتاوری ها تمام امورات از قبیل قانونگذاری، اجرایی و. . . به دست یک نفر است و اگر نهادهای به ظاهر دموکراتیک مثلاً مجلس شوراها باشند نقش صوری در اجرای مسئولیت ها ایفا می کنند.

اگر مدت تصدی صاحب منصبان افزایش یابد یا دوره های طولانی مدت و گاه مادام العمر چون ریاست جمهوری مصر، یمن، لیبی و عراق باشد زمینه را برای مونوکراسی فراهم می آورد که از مردم به عنوان وسیله یا ابزاری برای رسیدن به حکومت و تقویت دیکتاتوری استفاده می کنند، یعنی بجای اینکه از مردم برای مشارکت در قدرت استفاده کنند برای اسقرار قدرت دیکتاتوری خود، استفاده ی ابزاری می کنند.

آنچه که حکومت دموکراسی را تضمین می کند انتخابات آزادانه و عادلانه، دولت شفاف و پاسخگو، محدودیت مدت تصدی و ادواری بودن مشاغل سیاسی می باشد. قانون با توجه به ضرورتها مورد تصویب قرار می گیرد. بنابراین ضرورتها ایجاب می کند که در هر دوره تفکراتی نو وارد عرصه سیاسی شودن که انتخابات آزاد عادلانه که تأمین کننده هدف دموکراسی است و در این میان دولت بودن در مقام مردم و توضیح برنامه های خود در تقویت و دوام حکومت گام بر می دارند.

دموکراسی از زمانی که در کنار دیگر حکومت ها به عنوان شکلی از حکومت بیان شده است تا به امروز معانی متفاوتی را به خود گرفته و به تعبیر کوهن نوعی آشفتگی لفظی و فکری را در مورد دموکراسی پدید آورده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آربلاستر، آنتونی؛ دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات آشتیان، ۱۳۸۶.

ـ اسکندری، محمد حسین و درابکاری، اسماعیل، درآمدی بر حقوق اساسی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۷.

ـ اشرافی، مرتضی، تاریخ افکار سیاسی در غرب، قم: انتشارات قدس، ۱۳۸۵.

ـ بال، ترس و دادگری، ریچارد، ایدئولوژی‌های سیاسی و ایدآل‌های دموکراتیک، رویا منتظمی (کیوان شکوهی)، پیک بهار، ۱۳۸۴.

ـ بتیهام، دیوید و کوبن بویل، دموکراسی چیست، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ پنجم، ۱۳۸۸.

ـ بشیریه، حسین، در نظریه های جدید در علوم سیاسی، تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ـ تقیبی مفرد، حسام، حکمرانی مظلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر، تهران، موسسه اطلاعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۹.

ـ جهان بزرگی، احمد، آزادی سیاسی، تهران: کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ـ جهانبخش، فروغ، اسلام دموکراسی نوگرایی دینی در ایران، ترجمه جلیل پروین، تهران، گام نو، چاپ اول، ۱۳۸۳.

ـ دبلیو هیگوک، پوگین، پاسخگویی مقام های دولتی، ترجمه، مزدا موحد، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، ۱۳۸۳.

ـ دوینوا، آلن، مسئله دموکراسی، ترجمه نادر زاده، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۷۸-۷۷، سال ۱۳۷۳.

ـ شهبازی، محبوب، تقدیر مرد سالاری ایرانی، تهران: انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

ـ لواسانی، محمود، فلسفه حقوق بشر و نقد مبانی آن، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، جلد اول، ۱۳۸۴.

ـ رشیدپور، علی، پاسخگویی و دولت پاسخگو، مجله تدبیر، شماره ۱۶۰، شهریور ۱۳۸۴.

ـ روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران، نشر آگاه، ۱۳۹۳.

ـ زارعی، محمد حسین، فرایند مردمی شدن پاسخگویی و مدیریت دولتی، نامه مفید، شماره ۹، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۸۰.

ـ قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل؛ بایسته‌های حقوق اساسی، میزان، چاپ سی و دوم، انتشارات میزان، ۱۳۸۷.

ـ قادری، حاتم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن ۲۰، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.

ـ کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

ـ موحد، محمد علی، در هوای حق عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران: نشر کارنامه، ۱۳۸۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

ـ هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، تهران: انتشارات میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۴.

ـ هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-17]